

قاصدک‌های جوانان

هائیه زینل خانی / ابهر

خیس خاطره

| | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| پاییز که می آید | پاییز من |
| دوست دارم در کوچه | این کوچه‌ها هنوز بوی باران می‌دهد |
| خاطره‌ها | بوی خاطره |
| قدم بزنم | باران پاییزی‌ات را بر من ببار |
| و رقص پاییزی برگ‌ها را به تماشا | خاطره‌هایم را خیس کن |

بنشینم

علیرضا غدیری / رامسر

دینو

در جنگلی یک کلبه وجود داشت که در آن سه نفر زندگی می‌کردند. تری، پدر بزرگ و مادر بزرگش. تری از اینکه همبازی نداشت افسرده بود. پدر بزرگ و مادر بزرگ همیشه سعی می‌کردند او را از این حال در بیاورند. تری روزی در حیاط کلبه نشست و دید که ناگهان صدای مهیبی شنید. به دنبال صدا کمی جلوتر رفت. محل ایجاد صدا، پشت یکی از درخت‌ها بود. او باز هم جلوتر رفت ناگهان تکه آهنی را دید که شبیه انسان بود. اولش ترسید ولی این ترس را در خود پنهان کرد. آن یک آدم آهنی بود. از او پرسید از کجا آمدی؟ نام تو چیه؟ گفت: من از فضا آمدم و نام منم دینو است....

مریم نوری / تهران

از تو

| | |
|----------------------------|----------------------------------|
| نوشتن از تو | دنیای زیبا |
| پاییز را به گریه می‌اندازد | چشم‌هایت را ساعتی به من هدیه بده |
| چه برسد به من | تا من هم دنیا را |
| | مثل تو زیبا ببینم |

خط به خط

دوست خوبم، هانیه زینل خانی

آثار خوبت را خواندم. خواسته بودی در قالب «سپید» شعر بنویسی. اما تا به حال به این فکر کرده‌ای که چه چیزی باعث می‌شود که ما نام یک متن را نثر ادبی بگذاریم یا شعر سپید؟ فرق نثر و شعر به نظر تو در چیست؟ نوشته‌هایت بیشتر از آنکه شعر سپید باشند، متن ادبی هستند. تنها با تقطیع یک سطر نمی‌توان آن را شعر دانست. شعر به نظر تو چیست؟ می‌خواهم اینجا تعریفی از شاعر معروف، نزار قبانی ارائه بدهم. نزار قبانی می‌گوید: «شعر در نظر من انتظار چیزی است که انتظار نمی‌رود.» یعنی شعر کلام شگفت‌انگیز است. چیزی است که در مخاطب ایجاد شگفتی کند. به خاطر همین به شعر «معجزه با کلمات» می‌گویند. این معجزه چگونه به وجود می‌آید؟ با ایجاد مضمون تازه یا بیان تازه از مضمونی کهنه یا نگاهی تازه به سوژه‌ای کهن. تازگی و نو بودن در شعر از اهمیت زیادی برخوردار است. در شعر تو اتفاق نو و تازه در برخورد با پاییز نیفتاده است. چیز جدیدی از ویژگی‌های پاییز به مخاطب نشان نداده‌ای. در ضمن شعر تو دچار «اطناب» شده است. اطناب یعنی زیاده‌گویی. خیلی از کلمات را در این شعر می‌توان حذف کرد، بدون اینکه به شعر لطمه‌ای وارد شود. کلمه ابزار کار شاعر است. در به کار بردن کلمات باید دقت بیشتری داشته باشی. برایت آرزوی موفقیت می‌کنم و منتظر آثار بهت‌تر هستم.

دوست خوبم، علیرضا غدیری

داستانات را خواندم. داستان یک داستان علمی تخیلی یا فانتزی بود. چند ایراد در کار تو وجود داشت. اول اینکه از اسم‌های خارجی استفاده کرده بودی. تو به زبان فارسی می‌نویسی و در کشور ایران زندگی می‌کنی. داستان باید با فضای ایران همسانی داشته باشد. از اسامی و فضاهای ایرانی استفاده کن. دوم اینکه داستانت سرشار از ماجرا بود و به فضاسازی و توصیف جزئیات نپرداخته بودی. این جزئیات است که یک داستان را می‌سازد. سوم اینکه اتفاقات داخل داستان از فیلم‌ها و کارتون‌ها و کتاب‌های خارجی که دیده بودی اقتباس شده بود. داستان نویسان فانتزی خارجی برای ساختن داستان‌های خود از فرهنگ عامه و افسانه‌ها و اسطوره‌های خود کمک می‌گیرند. مثلاً در داستان هری پاتر نویسنده داستان یعنی خانم رولینگ از اسطوره‌ها و قصه‌های انگلیسی و یونانی بهره فراوان برده است. برای نوشتن یک داستان خواندنی نیاز به مطالعه و تمرین بیشتر داری. برایت آرزوی موفقیت دارم و منتظر داستان‌های بعدی‌ات هستم.

دوست خوبم، مریم نوری

شعرهایت را خواندم. شعرهای خوبی بود. به خوبی توانسته‌ام کلمات را در خدمت بیان مضامین و مفاهیم موردنظر به خدمت بگیری. در بعضی از قسمت‌های شعرت می‌توانستی از کلمات کمتری استفاده کنی و شعرت زیباتر شود. مثلاً در شعر دنیای زیبا در انتهای شعر، «مثل تو» اضافه است. در سطر قبل با کلمه «هم» معنای موردنظر را رسانده‌ای و نیاز به تکرار و تأکید نداشت. در شعر نباید همه چیز را توضیح داد. شعر مقاله علمی یا درسی نیست. ابهام در شعر می‌تواند به شعر کمک کند به شرطی که این ابهام مغل نباشد. در شعرت جایی برای فکر کردن مخاطب هم بگذار. اگر به مخاطب اجازه دهی که قسمتی از شعر را خودش تخیل کند و با تخیلش شعر را ادامه دهد، مطمئناً شعرت بیشتر در ذهن مخاطب خواهد ماند. منتظر شعرهای خوبت هستم.